

پرونده ویژه

یهودیان مخالف رژیم صهیونیستی



حل یک مناقشه کلامی که رنگ و بوی سیاسی یافته است

خشونت‌های رژیم صهیونیستی، بار دیگر تمایز بنیادین میان دین یهود و ایدئولوژی صهیونیسم را برجسته ساخت.

این رویکرد در سطح فراملی نیز قابل مشاهده است؛ چه در مواضع جنبش «نتوری کارتا» به عنوان صدای الهیاتی یهودیان ضد صهیونیست در عرصه جهانی، و چه در کنش‌های اعتراضی حریدی‌ها در دل رژیم صهیونیستی.

بدین سان، هفته‌نامه پندار می‌کوشد تا از رهگذر تحلیل‌های مستند و رویکردی علمی، تصویری روشن از پیوند هویت ملی ایرانی با عقلانیت دینی ارائه کند؛ تصویری که انسجام و وحدت را نه یک انتخاب سیاسی، بلکه ضرورتی راهبردی برای استمرار حیات جمعی می‌داند.

پرونده حاضر از هفته‌نامه پندار به بررسی یکی از مناقشات مهم امروز می‌پردازد: نسبت میان دین یهود، صهیونیسم و هویت ملی در ایران. نقطه عزیمت این بحث، بیلبوردی است که با بازنمایی آیه‌ای از قرآن کریم، پرسشی اساسی را در سطح عمومی مطرح ساخت: چگونه می‌توان میان ظاهر یک متن مقدس و رویکرد عقلانی جمهوری اسلامی در تفکیک یهودیت از صهیونیسم جمع کرد؟ این تقابل، به روشنی تمایز میان قرائت نص‌گرایانه و نگاه کلان و عقلانی به دین را آشکار ساخت و اهمیت آن را در حفظ انسجام ملی نمایان کرد.

با این حال، محور اصلی این شماره فراتر از تحلیل یک رخداد نمادین است. گزارش‌ها و مستندات گردآمده نشان می‌دهد جامعه کلیمیان ایران در جریان جنگ تحمیلی اخیر، حضوری فعال و مؤثر داشته است. از مواضع سیاسی در دفاع از تمامیت ارضی ایران تا مرزبندی الهیاتی با صهیونیسم و مشارکت اجتماعی در حمایت از نیروهای مسلح، کلیمیان کشور نشان دادند که وفاداری آنان به ایران، ریشه در تاریخی دیرینه دارد. بیان صریح رهبران دینی مبنی بر مخالفت با

یک بیل‌بورد، یک پرسش: آیا حساب یهودیت از صهیونیسم جداست؟

تصویری چالش برانگیز از بیل‌بورد با موضوع یهودیت در طرح «زندگی با آیه‌ها»

یعنی تکیه بر معنای ظاهری و عام یک آیه، بدون در نظر گرفتن شرایط تاریخی نزول و سایر آموزه‌های دینی. از نگاه این جریان، آیه مذکور یک «پیش‌بینی ابدی» و «حقیقت بدون سانسور» قرآن است که هرگونه تلاش برای «تنش‌زدایی» یا «اعتمادسازی» را ساده‌انگاری و نادیده گرفتن کلام خدا می‌داند. این دیدگاه معتقد است که نباید به بهانه مصلحت یا ملاحظه هم‌وطنان کلیمی، یک حقیقت قرآنی را کتمان کرد. این رویکرد، مبارزه با رژیم صهیونیستی را در چارچوب یک تقابل تمدنی و دینی تعریف می‌کند که از صدر اسلام وجود داشته و تا ابد ادامه خواهد داشت.

نگاه دوم؛ فهم کلان و مبتنی بر عقلانیت

در نقطه مقابل این نگاه، دیدگاه رسمی و ریشه‌دار نظام قرار دارد که برآمده از مکتب امام خمینی (رحمه الله) است. یکی از پایه‌های اصلی این مکتب، اصل «عقلانیت» است که بر درک واقعیت‌های پیچیده و تفکیک میان مفاهیم تأکید دارد.

در تابستان ۱۴۰۴، در مقطعی حساس پس از نمایش انسجام ملی ایران مقتدر در مواجهه با جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی، بیل‌بوردی در خیابان‌های پایتخت، که بخشی از طرح فرهنگی «زندگی با آیه‌ها» در ایام راهپیمایی میلیونی اربعین حسینی بود، به موضوعی چالش برانگیز بدل شد. این بیل‌بورد، منقش به آیه ۱۲۰ سوره مبارکه بقره (لَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ)، گزاره‌ای قاطع را در خصوص نسبت یهود با مسلمانان به نمایش عمومی گذاشت. نصب این بیل‌بورد، این پرسش بنیادین را به عرصه عمومی کشاند که چگونه می‌توان میان پیام ظاهری این آیه و اصل راهبردی جمهوری اسلامی مبنی بر جداسازی حساب یهودیت از صهیونیسم و حمایت از شهروندان کلیمی، جمع کرد؟ در اینجا، ریشه‌های این دو نگاه متفاوت را بررسی کرده و پیامدهای آن را برای انسجام ملی تحلیل می‌کنیم.

نگاه اول؛ تکیه بر ظاهر آیه

دیدگاه حامیان نصب این بیل‌بورد، مبتنی بر رویکردی است که می‌توان آن را «نص‌گرایی» نامید؛



نتیجه‌ای فراتر از یک بیلبورد

این بیلبورد، بیش از آنکه یک تبلیغ فرهنگی باشد، نماد میدانی برخورد دو شیوه متفاوت در فهم دین بود: «نگاه جزئی و متمرکز بر یک متن» در برابر «نگاه کلان و مبتنی بر عقل و مصلحت». در شرایطی که دشمن به دنبال ایجاد شکاف در انسجام ملی است، ترویج ناخواسته قرائت‌هایی که به تفرقه دامن می‌زند، می‌تواند پازل دشمن را برای ضربه زدن به «اتحاد مقدس» ملت ایران تکمیل کند. اتحادی که در آن، شهروندان ایرانی از هر دین و آیینی، در دفاع از کشور یکپارچه هستند. از این رو، دفاع از رویکرد عقلانی و تفکیک گرایانه نظام، نه فقط یک موضع سیاسی، بلکه یک ضرورت راهبردی برای حفظ امنیت و وحدت ملی است.

بر این اساس، امام خمینی (رحمه الله) با صراحتی بی‌نظیر، «حساب جامعه یهود را از حساب صهیونیسم و صهیونیستها جدا» دانستند. ایشان صهیونیسم را یک جریان مذهبی نمی‌دیدند، بلکه آن را «مردمی سیاسی» می‌خواندند که «بر ضد تعالیم حضرت موسی» عمل می‌کنند^(۱). این نگاه در بیانات رهبر معظم انقلاب نیز در قالب تأکید بر «همزیستی مسالمت‌آمیز» اقلیت‌های دینی و تکریم شهروندان کلیمی ایران تجلی یافته است^(۲). این رویکرد، حاصل یک «نگاه منظومه‌ای» به دین است؛ یعنی فهم قرآن به صورت یک کل به هم پیوسته و در کنار سیره قطعی پیامبر اسلام (صل علیه و آله) در تعامل با اهل کتاب و اصول عقلی مانند عدالت و انصاف.

صحیفه امام خمینی (رحمه الله)، ج ۷، ص ۲۸۷ - ۲۹۱. (24/02/1358)
بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام. (19/04/1379)



گنش دیپلماتیک-رسانه‌ای: گروهی از حاخام‌های این جنبش در لندن، با حضور در سفارت ایران، دفتر یادبود شهدای جنگ تحمیلی را امضا کرده و پیروزی ایران را تبریک گفتند. آنها با صراحت اعلام کردند: «رژیم صهیونیستی نماینده جامعه یهودی نیست و جنایات این رژیم مورد تأیید هیچ یهودی مؤمنی نیست.»

این دیدارها در سطوح بالاتر نیز ادامه یافت؛ حاخام ایسروئیل داوید ویس، سخنگوی ارشد نتوری کارتا، در حاشیه اجلاس بریکس با وزیر امور خارجه ایران دیدار کرد و ضمن اهدای گل، «حمایت و همبستگی یهودیان ضد صهیونیسم با مردم و دولت ایران» را اعلام نمود. این کنش‌ها به قدری برای اسرائیل سنگین بود که ورود حاخام ویس را برای همیشه به اراضی اشغالی ممنوع کرد. این اقدامات، نبرد نتوری کارتا را از یک مخالفت نظری به یک تقابل عملی و جهانی در کنار ایران ارتقا داده است.

ب) مخالفت بخشی از یهودیان داخل اسرائیل با حاکمیت: جامعه خریدی داخل اسرائیل با به رسمیت نشناختن بسیاری از نمادها و قوانین دولت سکولار، یک شکاف عمیق در «قرارداد اجتماعی» اسرائیل ایجاد کرده است. این عدم وفاداری به ساختار سیاسی، یک آسیب‌پذیری دائمی برای انسجام رژیم است.

صدای دیگر یهودیت: روایتی از خریدی‌هایی که در کنار ایران ایستادند.

الف) جنبش نتوری کارتا؛ نبرد جهانی علیه «بدعت صهیونیسم»:

در خارج از مرزهای ایران، صریح‌ترین سازمان یافته‌ترین صدای یهودی همسو با جمهوری اسلامی، از جنبش ارتدوکس «نتوری کارتا» «Neturei Karta» به گوش رسید. مخالفت این گروه خریدی با رژیم نامشروع صهیونی، نه از خاستگاهی سیاسی، بلکه از یک مبنای عمیقاً الهیاتی نشأت می‌گیرد. از دیدگاه آنان، تشکیل دولت یهود به دست انسان پیش از ظهور منجی موعود (ماشیح)، گناهی بزرگ و شورش علیه اراده خداوند است. بر این اساس، آنها صهیونیسم را یک «بدعت» سکولار می‌دانند که یهودیت را از ماهیت روحانی خود تهی کرده است.

این دیدگاه اعتقادی، آنها را به یک متحد ایدئولوژیک برای ایران در صحنه جهانی تبدیل کرده است. کنش‌های این گروه در بحبوحه جنگ تحمیلی اخیر، کاملاً معنادار و نمادین بود:

● وقتی صهیونیسم «داعش یهودیت» شد: گنش‌های کلیمیان ایران در مواجهه با جنگ و پساجنگ تحمیلی

در ساعات اولیه جنگ تحمیلی اخیر رژیم منحوس صهیونی علیه مظلوم مقتدر، در حالی که نگاه تحلیل‌گران جهانی به شکاف‌های احتمالی داخلی در ایران دوخته شده بود، یکی از قدیمی‌ترین جوامع این سرزمین، کلیمیان ایران، روایتی متفاوت را رقم زدند. از بیانیه‌های قاطع در محکومیت تجاوز تا تجمعات دعا در کنیسه‌ها برای پیروزی نیروهای مسلح و پویش‌های مردمی پس از جنگ، کنش‌های جامعه کلیمیان فراتر از یک اعلام وفاداری ساده بود. این مجموعه اقدامات، یک راهبرد هویتی چندلایه و ریشه‌دار را به نمایش گذاشت که در سه سطح سیاسی، دینی و اجتماعی، نه تنها مرزبندی قاطع خود با صهیونیسم را تثبیت کرد، بلکه نشان داد که هویت ملی آنان، تبلور یک تاریخ ۲۷۰۰ ساله همزیستی و پیوندی ناگسستنی با سرنوشت ایران است.

۱. کنش سیاسی و دیپلماتیک: دفاع از تمامیت ملی در عرصه بین‌المللی

در سطح سیاسی، رهبران جامعه کلیمیان به عنوان صدایی تحلیلی و رسمی در برابر هجمه‌های خارجی ایستادند. همایون سامه یح نجف‌آبادی، نماینده مجلس و رئیس انجمن کلیمیان تهران، در پاسخ به اتهامات بی‌اساس دولت استرالیا، این ادعاها را «تحت تأثیر تبلیغات رژیم صهیونیستی» و فاقد وجاهت عقلی خواند.



بیانیه نماینده کلیمیان در مجلس در رد اتهامات یهودی ستیزی دولت استرالیا علیه جمهوری اسلامی

او با محکوم کردن ترور دانشمندان هسته‌ای نیز تأکید کرد که این اقدامات «نمی‌تواند مانع پیشرفت جمهوری اسلامی ایران شود». این مواضع، رویکردی کنش‌گرانه برای مقابله با روایت‌سازی دشمنان بود. این تحلیل عمیق در کلام دکتر سیامک مره‌صدق، نماینده ادوار مجلس، به اوج خود رسید. او ضمن توصیف هویت خود به عنوان «ایرانی کلیمی»، درایت رهبری در هدایت نبرد را — ادامه در صفحه بعد



از راست- نامه رهبر دینی کلیمیان ایران در حمایت از مردم مظلوم غزه و کمک های انجمن کلیمیان اصفهان در همین راستا

این نگاه، صهیونیسم را نه نماینده دین یهود، بلکه یک انحراف سیاسی معرفی می‌کند. همایون سامه‌یح این تفکیک را با تشبیهی قدرتمند و ماندگار بیان کرد: «همانطور که داعش خود را مسلمان می‌دانست، صهیونیسم، داعش یهودیت است». این مرزبندی تا آنجا پیش رفت که وی در نامه‌ای رسمی به صداوسیما، نسبت به هرگونه خلط سهوی این دو مفهوم در رسانه ملی اعتراض کرد و آن را مخالف تأکیدات امام خمینی (رحمه الله) دانست.

۳. کنش اجتماعی و ملی: از کنیسه تا سرنوشت مشترک

در سطح اجتماعی، جامعه کلیمیان در سراسر کشور، از تهران و اصفهان تا شیراز و یزد، با برگزاری تجمعات و صدور بیانیه‌های آتشین، همبستگی خود را به نمایش گذاشتند. تجمع در کنیسه ابریشمی تهران برای حمایت از رهبر معظم انقلاب و کلیمی برای حضور با «لباس مقدس سربازی» به عنوان «مشت محکمی بر دهان یاوه‌گویان»، نمادهایی درخشان از این اتحاد بود.

«شایسته تدریس در دانشگاه‌های جنگ دنیا» دانست و تأکید کرد که طرف اصلی نبرد، نه اسرائیل، بلکه قدرت نظامی آمریکاست. این سطح از تحلیل نشان می‌دهد که جامعه کلیمیان نه تنها خود را بخشی از ملت می‌داند، بلکه در درک معادلات کلان سیاسی و دفاع از منافع ملی نیز نقشی فعال ایفا می‌کند.

۲. کنش دینی و الهیاتی: مرزبندی اعتقادی با «داعش یهودیت»

مهم‌ترین سطح کنشگری جامعه کلیمیان، در مرزبندی روشن و الهیاتی میان «یهودیت» و «صهیونیسم» تجلی یافت. حاخام یونس حمای لاله‌زار، رهبر دینی کلیمیان، با استناد به متون مقدس یهودیت، «محاصره غزه و گرسنگی دادن به مردم» را «خلاف دستورات تورات» خواند و صراحتاً اعلام کرد که «صهیونیست‌ها از آرمان‌های یهودیت سوءاستفاده کرده‌اند». این جداسازی اعتقادی، در اقدامات عملی نیز نمود یافت؛ انجمن کلیمیان اصفهان با جمع‌آوری کمک‌های بشردوستانه برای مردم غزه، تأکید کرد که «ظلم در هیچ دین الهی توجیه‌پذیر نیست»



حضور سربازان کلیمی با لباس سربازی در حمایت از رهبر معظم انقلاب و نیروهای مسلح

نتیجه

مجموعه این کنش‌ها نشان می‌دهد که جامعه کلیمیان ایران، نه یک اقلیت منفعل، بلکه یک جزء فعال و کنشگر از ملت ایران است که هویت خود را در پیوندی عمیق با سرنوشت ملی تعریف می‌کند. آن‌ها در آزمون بزرگ جنگ اخیر، با صدایی رسا و از خاستگاه‌های سیاسی، دینی و اجتماعی، نشان دادند که در کنار ملت و نظام ایستاده‌اند و در دفاع از تمامیت ایران، یکپارچه و متحد هستند.

این حس عمیق سرنوشت مشترک، که در برابر تهدید خارجی، هرگونه تفاوت مذهبی را بی‌رنگ می‌کند، در کلام دکتر سیامک مره‌صدق به شکلی ماندگار تبلور یافت: «اگر دشمن بخواهد که به ما حمله کند، بمب و موشک از من راجع به دینم سؤال نمی‌کند تا اصابه کند». این جمله، فلسفه پویش یهودیان با عنوان «#یهودی_عاشق_ایران» را که با حمایت گسترده انجمن‌های کلیمیان همراه شد، به بهترین شکل خلاصه می‌کند. در واقع، آن‌گونه که نماینده کلیمیان تأکید کرد، جنگ اخیر برخلاف تصور دشمن، «باعث شد تا خیلی زود اختلاف نظرهای خود را به وحدت و یکپارچگی دهد» و عشق به وطن در این کلام خلاصه شد: «ما وطن ۲۷۰۰ ساله خود را به هیچ وعده‌ای نمی‌فروشیم... عشق به ایران، قوی‌ترین سلاح ما در برابر هر توطئه است.

نام نشریه: هفته نامه سراب حقیقت موضوع: بررسی و نقد ادیان، فرق و جریان‌های انحرافی / صاحب امتیاز: گروه فرهنگی تبلیغی سراب حقیقت / مدیر مسئول: محمد جواد نصیری / سردبیر: امین رضایی نژاد / گرافیک: تیم رسانه‌ای سراب حقیقت / هیئت تحریریه: اعضای گروه علمی اندیشکده پندار / راه ارتباطی در پیام رسان ایتا: raherahaiei@

آدرس سایت، تلویزیون اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی:

sarabehaghighat.ir
apararat.com/sarabehaghighat
@sarabehaghighat